

جلد اول

پلوتو

سفر تکاملی روح

جفری ولف گرین

برگردان مریم ناظمی

چه کسی زندگی می‌کند

- در ابدیت -

چه روحی آشکار خواهد شد؟

اراده تو انجام شد، ای خداوند!

به امپراطوری خود صعود کن

و باش!

ادگار آلن پو

پلوتو سفر تکاملی روح

جفری وولف گرین

جلد اول

تهیه و تألیف: جفری وولف گرین

ترجمه: مریم ناظمی

پلوتو، سفر تکاملی روح



تنظیم و نشر: مدرسه آسترولوژی تکاملی

نویسنده: جفری ولف گرین

مترجم: مریم ناظمی

صفحه‌آرا: میترا ملاحی

تمامی حقوق مادی و معنوی این اثر با مجوز ایمیل رسمی از خانم دوا گرین برای برگردان به زبان فارسی منحصراً در اختیار سرکار خانم مریم ناظمی قرار گرفته و تولید آن به هر شکل اعم از صوتی، تصویری، چاپ، کپی، انتشار الکترونیکی و .. ممنوع و محدودش کردن حقوق مادی و معنوی مؤلف و مترجم است. این اثر تنها از طریق سایت مدرسه آسترولوژی تکاملی به آدرس

www.schoolofevolutionaryastrology.com

قابل خریداری است. چنانچه هزینه این اثر را نپرداخته‌اید و به دستتان رسیده با ایمیل خانم دوا گرین devagreen@fastmail.fm مکاتبه کرده و از طریق پرداخت در سایتهای خارجی هزینه این اثر را بپردازید.

No part of this book may be used or reproduced in any manner without written permission from the publisher, whatsoever quotations used for review or except in the case of brief citation.

هیچ بخشی از این کتاب نباید به هیچ شیوه‌ای بدون مجوز از انتشارات کپی یا استفاده شود به جز نقل قول مختصر برای نوشتن مرور یا با ارجاع به کتاب.

این کتاب به پارماهانسا یوگاناندا تقدیم می‌شود که عشق، توجه و بخشندگی و هدایت او الهام بخش این کتاب بود و به همه شما تقدیم می‌شود که مرا برانگیختید که این کتاب را به پایان برسانم. می‌دانید شما چه کسانی هستید. درود خدا به همه شما تقدیم ویژه به آقای نوئل تیل. کسی که توجه خاص او و تلاش‌های بی‌امانش انتشار این کتاب را به صورت فعلی ممکن ساخت.

«نوزاد در روز و ساعتی متولد می‌شود که پرتوهای آسمانی با کارمای فردی او هماهنگ باشند. طالع او نمایشی چالش‌انگیز است که گذشته غیرقابل تغییر و آینده احتمالی او را آشکار می‌کند. ولی نمودار تولد تنها توسط افرادی با خرد شهودی میتواند به درستی تفسیر شود و این افراد تعدادشان کم است.»

سوامی سری یوکتسوار

انگاری به جوهرهایی فراموش کردی که خودتی.

- امی، سایه شک

سال ۱۳۹۲ بود که بر شانه‌ام حک کردم

וְרַנְּךָ לִי גִּמְלוֹתַי ..

و رنج تمام خواهد شد.

و شش سال بعد وارد قلمرویی شدم که "معنای رنج" را آموختم.
پلوتو روی ۲۸ درجه کپریکورن است، گویی معنای مرگ دوباره زاده می‌شود و ما در واپسین شامگاه،
نوای زمان را در روح خود زمزمه می‌کنیم..
و زمان که تنها برای دل انسانها آواز مادری می‌خواند، دوباره زاییده می‌شود.

روح‌های زیادی بیداری خود را مدیون جفری ولف‌گرین هستند.

این کتاب با دیپاچه آری موشه و دوا گرین دیگر جایی برای مقدمه من باقی نمی‌گذارد. من هم مانند
آری موشه امیدوارم این کتاب و آموزه‌هایش نوری باشد برای روح شما.
سپاسگزارم جف، سپاسگزارم از همه شما بندگان راستین خداوند.
سپاسگزار و قدردانم.

در پناه عشق آفریدگار مهربان باشید.

مریم ناظمی، زمستان ۱۴۰۱

فهرست مطالب

۱۱	پیشگفتار - نوئل تیل
۱۵	دیاچه - آری موشه وولف
۱۹	پیش‌درآمد - دوا گرین
۲۱	مقدمه - جف گرین

فصل اول: پلوتو: سفر تکاملی روح

۳۳	جستجوی بی‌پایان انسان.....
۳۴	خانه پلوتو، نشانه، و نقطه قطبیت.....
۴۱	پلوتو و محور گره‌ای.....
۴۹	پلوتو در بُعد محور گره‌ای.....
۵۸	تشکیل جنبه سیاره‌ها با محور گره‌ای.....
۵۸	پلوتو در جنبه نجومی با سیارات دیگر.....
۶۰	پلوتو و چهار شرط تکاملی طبیعی.....
۶۳	سه واکنش به تکانه تکاملی.....
۶۳	چهار روشی که پلوتو بر تکامل در زندگی‌مان تأثیر دارد.....
۶۷	بازگشت پلوتو.....
۶۸	پلوتو - پس‌اندیشه‌ها.....

فصل دوم: پلوتو در خانه‌ها

۷۹	پلوتو در خانه‌ها و نشانه‌ها.....
۷۹	پلوتو در خانه اول یا حَمَل.....
۹۴	پلوتو در خانه دوم یا برج ثور.....
۱۰۷	پلوتو در خانه سوم یا جوزا.....
۱۲۰	پلوتو در خانه چهارم یا برج سرطان.....

۱۳۷ پلوتو در خانه پنجم یا برج اسد
۱۵۲ پلوتو در خانه ششم یا سنبله
۱۶۹ پلوتو در خانه هفتم یا میزان
۱۸۴ پلوتو در خانه هشتم یا عقرب
۲۰۵ پلوتو در خانه نهم یا قوس
۲۲۵ پلوتو در خانه دهم یا برج جدی
۲۴۱ پلوتو در خانه یازدهم یا دلو
۲۵۷ پلوتو در خانه دوازدهم یا حوت
۲۸۴ چارت‌های نمونه
۲۸۶ آدرین هرت: درمانگر جنسی
۲۹۳ آدولف هیتلر

۳۰۱ فصل سوم: پلوتو در جنبه با سیاره‌های دیگر

۳۰۱ کلامی درباره جنبه‌های ویژه پلوتو
۳۰۶ جنبه‌های کوژ - Waxing Aspects
۳۰۹ جنبه‌های کاو - Waning Aspects
۳۱۵ پلوتو در جنبه با خورشید
۳۱۸ پلوتو در جنبه با ماه
۳۲۳ پلوتو در جنبه با عطارد
۳۲۷ پلوتو در جنبه با ونوس
۳۳۱ پلوتو در جنبه با مریخ
۳۴۰ پلوتو در جنبه با مشتری
۳۴۵ پلوتو در جنبه با زحل
۳۴۹ پلوتو در جنبه با اورانوس
۳۵۲ پلوتو در جنبه با نپتون

۳۵۷ فصل چهارم

۳۵۷ گذارهای پلوتو، سیر و بازگشت خورشیدی
۳۵۷ گذارها و مدارها
۳۶۳ سیرها
۳۶۵ بازگشت خورشید به محل آغازین زایشی
۳۶۶ گذار محور گره‌ای
۳۶۷ پلوتو در خانه‌ها

فهرست مطالب ■ ی

۳۶۷	پلوتو در خانه اول
۳۷۱	پلوتو در خانه دوم
۳۷۴	پلوتو در خانه سوم
۳۷۶	پلوتو در خانه چهارم
۳۸۰	پلوتو در خانه پنجم
۳۸۳	پلوتو در خانه ششم
۳۸۶	پلوتو در خانه هفتم
۳۹۰	پلوتو در خانه هشتم
۳۹۴	پلوتو در خانه نهم
۳۹۶	پلوتو در خانه دهم
۴۰۰	پلوتو در خانه یازدهم
۴۰۳	پلوتو در خانه دوازدهم

پیشگفتار - نوئل تیل

«بیلی کجاست؟»- سؤال خوب برای کودک در میانه خوداکتشافی. ولی فقط بگویید بیلی کجاست؟ آیا او همانی است که مقدار خاصی از فضا و یا بخش معینی از زمان را جابجا می‌کند؟ یا او فقط «همین‌جا است»، که قرار است با نوعی اشارات غیرشخصی معنای خاصی را برساند؟ آزمون‌های روانشناسی مفاهیم اولیه هویت دلالت دارد که بیشتر بیلی‌ها (و البته جیمزها) به این سؤال هستی‌گرایی با اشاره به شکم خودشان، بخش میانی بدنشان، پاسخ خواهند داد. همچنانکه این پاراگراف را می‌خوانید، از خودتان بپرسید کجا هستید. با صدای بلند این را بگویید. احساسات شما چیستند؟ آیا لحظه عجیبی است که به راحتی نمی‌تواند کنار گذاشته شود.

اوقات زیادی در زندگی به عبارت «من کیستم؟» پاسخ می‌دهیم. این را همین الان به خودتان بگویید، با صدای بلند و قوی.

احساس عجیب دیگر. یا برای همراهی با این دو واژه اشارات یا احساس تمایل برای انجام این داشته‌اید (شاید تکان ناگهانی در مچ دست).

به کجا اشاره داشتید؟ «من» کجاست؟ انگشت شما کمی به ناحیه قلب شما، بالای شکم بیلی حرکت می‌کند- صرفاً یک مرکز جسمی در آناتومی بزرگسالی که با آگاهی روانشناسی از غیرقابل انکار بودن قلب تقویت می‌شود، و با هیجاناتی تقویت می‌شود که در زبان زندگی می‌کند و هنری که همیشه قلب را جوهره فرد می‌داند و الی آخر.

خیلی بدیهی و البته عجولانه است ولی هیچ کس به بازو یا پای خودش اشاره نمی‌کند! اگر قرار بود که همین سؤال را از قهرمان بوکس جهانی با وزن زیاد بپرسید، او ممکن است با فشردن و تکان دادن مچ راست خود به حالت تهدیدآمیز پاسخ دهد «درست همین‌جا، مرد». فرد همیشه متفکر ممکن است حتی پاسخ ندهد و صرفاً به مغز خود اشاره کند یا با تحمل چنین سوالی، پلک بزند.

در هر یک از چنین حالاتی، چیزی گم خواهد شد: بُعد انسانی. و بنابراین پرسیدن این سؤال منصفانه است، «کجا هستیم، و چه کسی هستیم؟، چیستند؟» البته پرسش‌هایی که در پس آن می‌آیند سریع هستند. «چرا هستیم»، «چه مدت هستیم»، «چه کسی سؤال است؟»، آیا این باید برای من خوشایند باشد یا نه؟» و ذالک. هیچ چیزی از این موارد جدید نیستند، ولی همه آنها بی‌پایان هستند. مذهب برای پاسخ به چنین سوالاتی تشکیل شده است که مردم نمی‌توانستند خودشان به آن پاسخ دهند. برای پیوند دادن امور به هم به خاطر اهمیت و ایمنی. فرض می‌کنیم که در مطالعات مذهبی (این را هم بگویم، نه فقط مسیحیت)، مفهوم روح و فرایند جستجوی روح متولد شد. حتی پیچیده‌ترین واژه‌نامه‌های ریشه‌شناسی نمی‌تواند واژه «روح» را با تعریف اولیه ردگیری کند. این واژه مبهم است، همانطور که جرعه زندگی ابهام دارد. آموزه‌های بنیادین روح را معادل جوهره هستی، آگاهی هستی‌گرایانه کلی در نظر می‌گیرد. گرچه روح یک غده، ماهیچه، هورمون پیچیده یا کروموزوم پیچیده یا رشد مشکل‌دار نیست، برخی متخصصان روحانی در هر دوره‌ای تلاش کرده‌اند که به آن شکل خاصی بدهند. جالب است که آن‌ها احتمالاً دلیل اشاره بیلی به شکم خود یا اشاره خودتان را محل اقامت فیزیکی برای روح قبول کنند. «چرا، روح همان غده تیموس است، البته!».

و سپس آلن لئو، برای مثال، که ستاره شناس مستعد، عجیب و کاتالیزگر آغاز قرن در انگلیس بود، کسی که کارش به شدت و قدرت، آغاز ستاره شناسی نجومی را در آمریکا تحت تأثیر قرار داد، ما را به بُعد دیگری هدایت می‌کند. او در مورد روح در ارتباط با نپتون (یا شاید بهتر است بگویم در مورد نپتون اظهاری کرد که روح را با بینش عمیقی در بر داشت) گفت، نپتون به روح امکان می‌دهد که بدن را ترک کند. «کجا می‌رود؟ چرا؟ کجا بود؟ آیا در مورد مفهوم «سفر» در اینجا صحبت می‌کنیم؟»

چیزی که لئو به طور خاص می‌خواست بگوید این بود که نپتون تفاوت بین واقعیت‌های ملموس و غیرملموس وجودمان را مورد تأکید قرار داد. برای لئو، روح غیرملموس بود. روح عصاره بود. در واقع، وقتی که عمیقاً وارد این موضوع شوید، درک می‌کنید که این ارتباط لئویی بین نپتون و روح صرفاً بُعد مبهم نهایی با بُعد ستاره‌شناسانه نهایی آن زمان را توضیح می‌دهد. برای مثال، بخشی از چمدان سنگین زحل که از دوره‌های گذشته به دوران مدرن حمل شده است، به عنوان آخرین پایگاه مرزی در نظر گرفته شد که ستاره‌شناسان می‌توانستند ببیند و اندازه‌گیری کنند. هر چیز «باقی مانده» وارد زحل شد: همه دردهای باقیمانده، ترس‌های

پنهان شده، تهدیدهای محیطی (بنابراین همه تحقیقات مختلف «سطوح»، هشتمگانه‌ها، رهبریت و غیره).

کشف اورانوس چیزها را آزاد کرد و فرد قدری جلب توجه کرد. ولی همچنین، برای هر چیزی از نمادگرایی این روزها بر اساس فردگرایی بنا شده که جامعه را مختل می‌کند. سپس نپتون مطرح می‌شود.

جف گرین کجاست؟ سوالی است که وقتی که ظهور این ستاره‌شناس را در جهان ستاره‌شناسی نجومی دیدم از خود پرسیدم. برخی از مقالات و مصاحبه‌های او را در چندین مجله خواندم. در برخی از سخنرانی‌ها او حضور یافتیم، پرس و جو کردم. و سپس درباره نوشته جدید او با او بحث کردم.

جف گرین به پلوتو اشاره داشت، به پلوتوی هر فرد، به «بخش میانی بدن هر فرد» و می‌گفت اینجا همانجایی است که ستاره‌شناسان می‌توانند مدیریت راز روح را آغاز کنند، حس سفر تکاملی درونی را درک کنند.

وقتیکه نوشته جف را مطالعه می‌کردم، از آسایش خاطر زیادی لذت بردم: در اینجا هیچ روحانی نبود که ورد بگوید. در عوض، منتخب، روحانی خیلی حساسی بود و از لحاظ روانشناسی ستاره‌شناس نجومی متخصص که با جهان غیرملموس به شیوه ملموس کار می‌کند.

جاییکه تلاش‌ها برای بحث در مورد روح در گذشته همیشه اینطور به نظر می‌رسیدند که فردگرایی را کنار گذاشته‌اند(تقلای لئو بین نپتون و اورانوس)، یعنی، راهی وجود ندارد که از دیکته‌های روح پیروی کنیم مگر اینکه آنها را فراتر از راه‌های این جهان قرار دهید، جف به طور دقیقی ساختار «امیال» را درون روح دوگانه، درون «آگاهی غیرقابل تغییر» به صورت دوگانه در می‌آورد: یک میل جدا شده از منشاء نخستین (فرد شدن)؛ و دیگری میل به بازگشت به منبع (بخشی از کل بودن) است.

جف سپس همه این بینش را در نظر می‌گیرد و آنرا از طریق رخداد پلوتو در خانه‌های ستاره‌شناسی به زمین می‌آورد. هر جایگاه به صورت عمیق از ابعاد گوناگون مطالعه می‌شود و هر یک نشانه دیگری برای مفهوم روح است: «اینجا من هستم.»

یک آزمون واقعی - وقتی این نوشته را مرور می‌کردم، تلفن خیلی مهم دریافت کردم که مشورت ستاره‌شناسی درخواست می‌کرد. «جورج» از فاصله دوری زنگ می‌زد و مخمسه‌ای که او در آن گیر کرده بود فوق‌العاده بود.

جورج به نظر می‌رسید که خیلی باهوش، خیلی آگاه، با دانش، و به شدت روشن فکر بود. بخشی از نگرانی‌ها او آن بود که او از طریق مواجهه‌های بینش، رؤیا و شنیداری می‌دانست که در زندگی قبلی، یکی از حواریون عیسی بوده است.

این اصلاً خنده‌دار نبود. در موقع گفتن این حالات، حتی لبخندی نمی‌توانست بزند. جورج اینقدر در بحث مورد خود خیلی باتدبیر بود. در واقع، چنین متقاعدکننده بودن اغلب بخشی از خودانگاره چنین پیچیده است، ولی قضاوت کردن، نقش ستاره‌شناس نیست. هیچیک از ما چیزی به دست نمی‌آورد اگر به او همین پاسخ شک‌برانگیز یا گستاخانه را می‌دادم که هرگاه جرات می‌کرد به دوستی در مورد مشکل خودش بگوید، همان پاسخ را دریافت می‌کرد.

هویت زندگی گذشته او در امور زندگی فعلی مشکلاتی برای او ایجاد کرده بود که به خاطر احساس گناه و شرم بود: او نمی‌توانست این زندگی را به شکلی که زندگی می‌کرد، پیش ببرد زیرا هر کاری می‌کرد به نظر می‌رسید که به شدت از استانداردهای تعیین شده با وابستگی زندگی قبلی که از آن لذت می‌برد، واگرایی داشت.

جزئیات زیاد دیگری نیز وجود داشت، ولی این مقدمه جایی برای مطالعه موردی نیست. به محض پذیرش مسولیت برای تلاش جهت کمک به جورج تا به خودش کمک کند، نقطه آغازی را جستجو کردم. نیاز داشتم که در مورد دوره تکاملی درون دیدگاه زندگی او بیشتر بدانم. نوشته جف گرین در آن موقع ده اینچ از تلفن من فاصله داشت. برخی از فصل‌ها را دوباره مطالعه کردم و بحث جایگاه پلوتوی جورج مرا به این فکر انداخت که نتیجه آن برای جورج خیلی مفید بود.

اثر جف جورج را به جورج یادآور شد. این وقتیکه با سفر تسریع شده پلوتو از طریق فضا و اهمیت درون زمان ارتباط برقرار می‌کنیم، برای همه ما چنین می‌کنند.

تبریک می‌گویم جف و سپاس از شما

نوئل جان تیل مک‌لین،

ویرجینیا سپتامبر ۱۹۸۵

دیباچه - آری موشه وولف

بعد از اینکه بیشتر کتاب‌های ستاره‌شناسی را کنار گذاشتم، از ستاره‌شناسی تکاملی آگاه شدم. احساس کردم که در ستاره‌شناسی نجومی نسبت به چیزهایی که در کتاب‌های خود یا آنلاین یافته بودم، عمق روحانی بیشتری باید باشد. به صورت شهودی احساس کردم که برای هر سیاره، قصد و هدف مطلق وجود داشت که در زمان تولد من دقیقاً همان جایی باشد که بود. چرا اینجا هستیم؟ چرا این چارت من است؟ با آگاهی از سرخوردگی با ستاره‌شناسی نجومی، دوست من پلوتو: سفر تکاملی روح توسط جفری وولف گرین را به من معرفی کرد. واکنش پلوتونی نسبت به آن کتاب داشتم! فوراً جذب کتاب شدم و با کتاب احساس عمیقی برقرار کردم. معنایی که از ستاره‌شناسی نجومی دریافت می‌کنیم به طور کامل به درک‌مان از کیهان‌شناسی چرایی بودن ما در اینجا از ابتدا بستگی دارد. فقط از روی عنوان، فوراً تشخیص دادم که در واقع خواندن چارت تولد از دیدگاه فرایند تکاملی ممکن است؛ یک چیزی که ماهیت بی‌زمان و لایتغیر ما را در نظر می‌گیرد- روح است. فقط واژه «تکاملی» به نظر می‌رسید که فرایند شکوفا شدن روحی را نشان می‌دهد. این چیزی بود که با تمام وجودم می‌دانستم درست است. در واقع نمی‌توانستم از واژه «تکاملی» رهایی یابم؛ این واژه برای من خیلی درست به نظر می‌رسید. پریدم وسط. پارادایم ستاره‌شناسی تکاملی که در این کتاب مطرح شده هم ساده است و هم لایه‌های عمیقی دارد. ستاره‌شناسی تکاملی بر اساس این فرض است که همه روح‌ها در سفری برای بازگشت به خانه یا منبع هستند. درحالی‌که «خانه» مفهوم متعالی است که نه ممکنات فضایی دارد نه زمانی، تمایل دارد که زمان و فضای زیادی برای آغاز این سفر لازم باشد! این بدان علت است که همه امیال مختلف روح تناسخ دائمی را به جلو سوق می‌دهند. همانطور که جف گرین گفت (در زمان تحصیل خود در مدرسه پلوتو در سال ۱۹۹۴- دی وی دی ۶)، «جداسازی امیال تنها با چیزی محدود می‌شود که می‌توانید تصور کنید- که دقیقاً به همان دلیل است که چرا زمان زیادی لازم است تا چنین امیالی را کنار بگذاریم به جز یک میل که همان میل به اتحاد دوباره با منبع است.

البته، هیچ پرشی به طور مطلق وجود ندارد (به من اعتماد کنید، تلاش کردم). در جایگاه انسان، سفر تکاملی روح از طریق فیلتر جسم عاطفی رخ می‌دهد. در واقع زمان و تجربه تکراری نیاز دارد تا اینکه روح عمق کافی در خودآگاهی ایجاد کند که تا فراتر از سدهای خود تکامل یابد. خود پلوتو دلالت بر واقعیتی دارد که عمدتاً نسبت به هویت انسان ناهشیار است. برای اینکه اینقدر جذب هر میلی شده باشید، همیشه به لایه عمیق‌تری از روانشناسی اشاره دارد. هدف نهایی روانشناسی، شدن خود روح است؛ یعنی عصاره آرزومندان. همه شرایط داخلی و بیرونی در زندگی فرد می‌تواند با هدف عمیق‌تری ردگیری شود، قصد روحانی نهایی که چیزی را پیش‌بینی می‌کند که به طور کامل «در پس صحنه‌ها» قرار دارد، روح است. این عصاره ستاره‌شناسی تکاملی است. همیشه به پلوتو ارجاع می‌دهد، روح به عنوان دلیل نهایی برای «چرایی بودن ما در اینجا» است. تا امروز، لایه‌های زیادی از چارت خود من برای من هرآنچه را که آمادگی برای دیدن دارم، آشکار کرده است. به همین دلیل است که این کتاب هنوز منبع مکاشفه است. در زمان اختلاف شدید درونی، این کتاب و آموزه‌های ستاره‌شناسی تکاملی برای من الهام‌بخش بوده‌اند که با صداقت و جرات بیشتری به درون خود نگاه کنم. همانطور که جف گرین در فصل اول می‌نویسد، «همه ما مسول تکامل خود هستیم، مسول کارما و تجربه‌های واقعیتی هستیم که همه ما در آن مشترکیم». ستاره‌شناسی تکاملی مسیر روحانی است و این کتاب راهنمایی برای روح است.

پلوتو: سفر تکاملی روح در اواسط ۱۹۸۰ منتشر شد، زمانی که پلوتو از اوایل درجات عقرب عبور می‌کرد. البته، با مشخص بودن اینکه پلوتو حاکم طبیعی عقرب است، زمانبندی کامل بود. در همین زمان، نسل تمامی روح‌ها به این جهان باز می‌گشت - پلوتو در نسل عقرب. در زمان چاپ مجدد این کتاب، این کتاب به بازگشت زحل خود نزدیک می‌شد، چونکه اولین پلوتو در نسل عقرب است. برای من، این دوره جدیدی برای این کتاب را نشان می‌دهد، «نوعی بالغ شدن». این کتاب به کار توده مردم آمده است و مانند همه آثاری که درباره بی‌زمانی و عمومی بودن، حرف می‌زنند، این کتاب نیز در سراسر جهان پخش شده است. اکنون ستاره‌شناسی تکاملی به نسل جدیدی از روح‌ها رسیده است. پلوتو در نسل عقرب، در کل، تعیین شده که کلام نهایی را جستجو کند؛ «چرایی‌های» عمیق‌تری را در زندگی اولیه بجوید. این نسلی است که این ماده را به طور کامل در عمق جدیدی تلفیق و توزیع خواهد کرد.

قصد من کمک به پخش این اثر برای روح‌های بیشتر است به ویژه روح‌هایی نسل عقرب خود من. دعا می‌کنم این کتاب و آموزه‌های ستاره‌شناسی تکاملی خیلی گسترده شود تا روح‌های

دیباچه - آری موشه وولف / ۱۷

بیشتری را در مسیر تکاملی خودشان هدایت کند. سفرتان به خیر. امیدوارم که تکامل خود شما نور هدایتی برای روح‌های دیگر باشد.
از جف و همه معلمانی که به طور خستگی‌ناپذیر زندگی خودشان را برای اشتراک گذاشتن این کتاب فدا کردند سپاسگزارم و قدردان هستم. سپاس از شما و خدا به شما خیر بدهد.

آری موشه وولف، بهار ۲۰۱۱

پیش‌درآمد - دوا گرین

منشاء ستاره‌شناسی تکاملی زمانی آغاز شد که پدر من شبی خوابی دید که در آن همه پارادایم‌های ستاره‌شناسی نجومی که رشد روح را اندازه می‌گیرند، قصد تکاملی، از حیاتی به حیات دیگر داده می‌شوند. در آن زمان معلم روحانی پدر من پاراماهاانسا یوگاناندا و استاد^۱ او سری یوکتسوار بود. یوکتسوار فی‌نفسه ستاره‌شناس نجومی بود و البته در این زمینه برجسته بود. رؤیایی که به پدر من داده شده بود از سوی یوکتسوار آمده بود. در واقع کل کتاب پلوتو: سفر تکاملی روح در این رؤیا به پدر من داده شد. این رؤیا در سال ۱۹۷۷ رخ داد.

از آن لحظه به بعد، پدر من از پارادایم تکاملی روح برای همه مراجعان خود به کار می‌گرفت و برای این موضوع سخنرانی کرد. هرجایی که برای سخنرانی رفت، سالن سخنرانی به خاطر ماهیت موضوع پر می‌شد. در تاریخ طولانی ستاره‌شناسی نجومی اولین بار بود که پارادایمی ارائه شده بود که می‌توانست سفر تکاملی روح را اندازه بگیرد.

بعد از هفت سال کاربرد عملی این پارادایم برای مرجعانش، که در آن زمان به هزاران نفر می‌رسید، پدر من احساس کرد که سرانجام زمان آن رسیده بود که کتاب مشهور کنونی خود را بنویسد: پلوتو: سفر تکاملی روح: جلد اول. او این کتاب را فقط در ۶۰ روز نوشت. این کتاب در سال ۱۹۸۵ منتشر شد و از آن زمان به طور مداوم چاپ شده است. به هشت زبان ترجمه شده است. این کتاب تقریباً در سراسر جهان هست. پدر من از سال‌های ۱۹۷۷ تا ۲۰۰۴ در سراسر جهان سخنرانی کرد. هرجایی که رفت افرادی بودند که روح‌شان تشنه دانش او بود. در نقاط متعدد، به کمک دانش‌آموزان خودش، در آمریکا، کانادا، انگلیس، آلمان، هلند، اسرائیل و شیلی، مدارسی تأسیس کرد. او همچنین دوره ویدئویی در سال ۱۹۹۴ برای روح‌هایی ارائه کرد که تمایل داشتند ستاره‌شناس تکاملی دارای گواهی باشند. او همچنین کنفرانس

^۱Guru: به آموزگاران و راهنمایان دینی در دین‌های هندوگرایی، بوداگرایی، سیک‌گرایی و جنبش‌های دینی دیگر گورو گفته می‌شود.

جفری وولف گرین در مورد ستاره‌شناسی تکاملی را ایجاد کرد که گاه‌گاهی برگزار می‌شود. به همین دلیل است که او به درستی «بنیانگذار ستاره‌شناسی تکاملی» خوانده می‌شود.

در زمانی که بازنشست شده بود، به بیش از ۳۰۰۰۰ مراجعه‌کننده از سراسر جهان راهنمایی ارائه داده بود. در سال ۱۹۹۶ جلد دوم پلوتو: سفر تکاملی روح را نوشت و در این جلد بر دلایل تکاملی و کارمیک در روابطی که هستیم، تمرکز کرد. اکنون اثر اصلی او توسط ستاره‌شناسی وسکس منتشر می‌شود که از ته قلبم دوست دارم از او به خاطر انجام این کار تشکر کنم. پدر من در سال ۲۰۰۴ بازنشست شد و به محض بازنشستگی ادامه این کار را به من واگذار کرد تا کارش را نشر دهم. من شورای ستاره‌شناسان تکاملی را برای انجام چنین کاری آغاز کرده‌ام. وبسایتی داریم^۲ که بخش پیام‌رسانی بزرگی دارد و خود اکنون جامعه بین‌المللی ستاره‌شناسان تکاملی شده است. دوره اولیه او در مورد ستاره‌شناسی تکاملی را برای افرادی پیشنهاد می‌دهیم که می‌خواهند ستاره‌شناس تکاملی دارای گواهی باشند و به برگزاری کنفرانس خودمان در مورد ستاره‌شناسی تکاملی ادامه می‌دهیم که در زمان‌های مختلف برگزار می‌شود.

من کتاب خودم را نیز نوشته‌ام. ستاره‌شناسی تکاملی و کتاب‌های دیگری توسط نویسندگان بسیار خوب مانند پاتریشیا والش (درک پیچیدگی‌های کارمیک، ستاره‌شناسی وسکس) و رز مارکوس (بینش ستاره‌شناسی تکاملی) نیز وجود دارد که ایشان نیز در مورد ستاره‌شناسی تکاملی نوشته است. نویسندگان جدیدی نیز وجود دارند که به زودی خواهند نوشت. عمیقاً امیدوارم که وقتی کتاب پلوتو: سفر تاملی روح را می‌خوانید، آنرا جالب بیابید و چراغی باشد روشن‌گر برای سفر تکاملی روح‌تان

خدا شما را حفظ کند

دوا گرین

اشلند، اورگون، بهار

۲۰۱۱

مقدمه - جف گرین

این کتاب برای ستاره‌شناس حرفه‌ای است که مراجعانش از او می‌پرسند «چرا اینجا هستیم و درس‌های من چه هستند؟» این کتاب برای دانشجوی ستاره‌شناسی تکاملی و همه کسانی است که این سؤال را می‌پرسند و در تلاشند در چارچوب ستاره‌شناسی به آن پاسخ دهند.

اگر توافق کنیم که ستاره‌شناسی زبان یا سیستم سمبلیکی است که کلیت زندگی را تشریح می‌کند، پس درک خواهیم کرد که این توصیف بر اساس مشاهده تجربی و روابط تجربی-همبستگی با الگوی نجومی در زمان مشاهده-است. پدیده تکامل بر اساس فرایند چرخه‌های رشد استوار هستند. فرایند شامل گذشته، حال و آینده است. همه آفرینش، از دیدگاه جمعی و نیز دیدگاه فردی در مورد آفرینش، توسط قانون طبیعی تکامل کنترل می‌شود. گذشته قابل مشاهده، حال قابل مشاهده و آینده قابل مشاهده با نگاه از گذشته، وجود دارد.

دو نوع تکامل قابل مشاهده وجود دارند- پیوسته و ناگهانی. تکامل ناگهانی زمانی رخ می‌دهد که نیروهای زیادی در یک زمان به اوج می‌رسند و دگرگونی کلی از چیزی که وجود داشت، ایجاد می‌کنند. نتیجه تغییر ناگهانی است ولی اینطور نیست. نتیجه بر اساس چندین نیروی تکاملی است که در یک زمان به یکجا رسیده‌اند و با نیروهای مقاومت دیگر مواجه می‌شوند. نیروی مقاومت به طور همزمان حال و آینده را نشان می‌دهد. نیروهای تکاملی که تغییر ناگهانی را ایجاد می‌کنند، آینده را نتیجه گذشته نشان می‌دهند. وقتی نیروی تکاملی برای تغییر قوی‌تر از نیروی مقاومت شود، نتیجه تغییر ناگهانی است. قدرت نسبی این نیروها شدت یا بزرگی خود تغییر ناگهانی را تعیین می‌کند.

نمونه ساده این فرایند در طبیعت زلزله است. در جامعه انسانی، فاجعه و آترگیت که منتهی به استعفای رئیس جمهور نیکسون شد، نمونه‌ای از فرایند مشابه است.

بر عکس، تکامل از طریق یکنواختی طبیعی چرخه‌های پیشرونده یا آرام رشد فراهم می‌کند که در طول زمان بیشتری رخ می‌دهند. این نوع تکامل خیلی آرامتر است و ناگهانی نیست. این

تکامل با مقاومت کم یا بدون مقاومت به چرخه‌های تکاملی طبیعی حیات، فردیت یا جمعی، از دیدگاه طبیعی یا علوم انسانی است.

پلوتو سمبل نجومی است که با فرایند تکامل از دیدگاه فردی و جمعی ارتباط دارد. پلوتو محرک اولیه، علت اول یا کلام نهایی است که همه فاکتورهای نجومی دیگر به هم وصل می‌شوند. وقتیکه مراجعه‌کننده می‌پرسد «چرا اینجا هستیم، و درس‌های من چه هستند؟» این پرسش دلالت بر پدیده تکاملی در حیات شخص دارد. ایده‌ها، روش‌ها و تکنیک‌های ارائه شده در این کتاب پیشنهادهایی می‌دهد اینکه چگونه می‌توانیم به مراجعه‌کننده با این نوع پرسش‌ها کمک کنیم. این روش صرفاً فیلتر بیشتری است که بر روی عینک ستاره‌شناسی مان می‌گذاریم تا به ما کمک کند پاسخ به این سؤالات در مورد تکامل فردی و جمعی را درک کنیم.

این روش به شناسایی شرایط تکاملی گذشته هر فردی کمک می‌کند، چرا این فرد آن گذشته را داشته است و چگونه آن گذشته حالت فعلی شرایط فرد را تعیین کرده است. با درک قصد تکاملی روح، قادر خواهیم بود که درس‌های تکاملی را شناسایی کنیم که برای هر فردی در این حیات ارائه شده است. قصد تکاملی یا درس‌های تکاملی حیات فعلی به فرد امکان می‌دهد که رشد کند و در فرایند شدن خودش تکامل یابد: در هر لحظه از زمان، رشد کند و تکامل یابد. با درک بافت تکاملی گذشته، دلایل یا «چرایی» درس خاص پیشنهاد شده در هر چارت تولد را درک خواهیم کرد. با درک گذشته تکاملی جمعی (انسانیت) قادر خواهیم بود که حال جمعی را و گزینه‌هایی که انسانیت با آن مواجه می‌شود و آینده را ایجاد خواهد کرد، درک کنیم. گذشته از این، درک خواهیم کرد که گذشته چگونه ایجاد شد، شکل گرفت یا گزینه‌های خاصی را تعیین کرد که در هر لحظه با آن مواجه می‌شویم و چرا این گزینه‌های خاص را داریم. این نوع درک فرد و جمعی اکنون بی‌نهایت مهم است که پلوتو در عقرب و نپتون در برج جدی^۳ هست. این چرخه خاص تنها هر پانصد سال یا چیزی در همین حدود رخ می‌دهد. همیشه درست قبل یا بعد از آغاز قرن رخ می‌دهد.

اگر به منظور بررسی موضوعات تکاملی و کارمیک در زمانیکه این چرخه فعال بوده است، برگردیم، می‌یابیم که گزینه‌های اساسی و موضوعات اصلی حول اتحاد یا تکرر گردیده‌اند. اگر بر روی این دو موضوع کهن‌الگو تفکر کنیم و با توجه به موضوعات در دست بررسی، آن‌ها را در جهان امروز نمایش دهیم، آثار گزینه‌های فردی و جمعی که این موضوعات را منعکس

³ Capricorn

می‌کنند، اکنون خیلی مهمتر از گذشته دیده خواهد شد. موضوع اول جهان امروز ما باید روش جمعی و پاسخ به فناوری هسته‌ای، و سلاح‌های نظامی باشد که تولید شده‌اند. پلوتو با اساس، هسته و نفوذ و ورود هر چیزی ارتباط دارد- اساس بمب‌های هسته‌ای و بمب‌های مربوطه. پلوتو همچنین با پدیده‌های دفاع یا حالت دفاعی، بنا به هر دلیلی، ارتباط دارد. پلوتو همچنین نشان می‌دهد که چگونه از منابع خودمان و منابع دیگران استفاده می‌کنیم.

با پلوتو که اکنون در عقرب است، این همبستگی‌های طبیعی و موضوعاتی که آنها نشان می‌دهند، به طور واضح در فرایند بزرگ شدن و تشدید هستند. نقطه قطبیت عقرب در برج ثور^۴ هست. ثور در عمیق‌ترین و ضروری‌ترین کهن‌الگوی (از دیدگاه فردی و جمعی)، غریزه حفاظت از خود را نشان می‌دهد؛ غریزه بقاء. چگونه انتخاب‌های انجام شده با توجه به پلوتو در عقرب بر بقاء گونه انسان تأثیر خواهد داشت؟

تاریخ خاطر نشان می‌کند که ملی‌گرایی، اقتدارگرایی، محافظه‌کاری، فریب هدفمندانه که توسط افراد در قدرت صادر شده تا قدرت، رخدادهای مذهبی را به شکلی حفظ کنند(عیسی بر روی این سیاره بود و با نپتون در جدی به صلیب بسته شد)، سرخوردگی و یا مکاشفه و انحلال ساختارهای قبلی و تاریخ گذشته واقعیت، زمانی رخ داده‌اند که نپتون در جدی بوده است. اثر انحلال حس عدم حتمیت در روح جمعی ایجاد می‌کند که نیاز به باور به توهم درست بودن همه چیز را ارتقاء می‌دهد. این نیاز جمعی به جذب افرادی انتقال می‌یابد که به آنها می‌گوید آنها می‌خواهند چه چیزی را بشنوند حتی اگر بر مبنای واقعیت نباشد. معمولاً، بلاگردان به یک شکل یا شکل دیگر دیده می‌شود که تقصیر را به گردن گرفتاری‌های روز می‌اندازد. این گرفتاری‌ها مورد سؤال قرار می‌گیرند، مورد حمله قرار می‌گیرند یا به نوعی از «جریان اصلی» کسانی که می‌خواهند تأیید و باور کنند که همه چیز خوب است، جدا می‌شوند. این پدیده‌ها به طور درونی در ملت، و به طور بیرونی به صورت یک ملت، یا بخشی از ملت که از ملت دیگر جدا شده‌اند، رخ می‌دهد. این وقایع تاریخ در پرتوی قصد کهن‌الگو نپتون در جدی جالب هستند: فراتر از مرزهای هویت ملی رفته و منافع فردی را محدود کنند و به صورت فردی یا جمعی با روح، نیرو یا منبع یکی شوند. این منبع همه چیز را ایجاد کرد طوریکه همکاری دوجانبه بتواند در همه سطوح واقعیت برای حل مسائل و موضوعات در دست استفاده شود، طوریکه بقاء فرد و گونه انسان بتواند ادامه یابد.

داستانی که در طول تاریخ نگاشته شده گفته می‌شود، وقتیکه این چرخه‌های پانصد ساله رخ داده است، خوشایند نیست، و به طور خاصی هم با توجه به کاری که باید در جهان امروز ما انجام شود، خیلی الهام‌بخش نیست. به طور کلی، تکثر افراد و ملل بیشتر از اتحاد لازم رخ داده است. بخش‌هایی از جمعیت حدودی مشخص کرده‌اند که دیدگاه خاص خودشان، منافع خودشان، سیستم باورهای خودشان، و ارزش‌های اجتماعی خودشان را می‌پایند. این گروه‌ها سپس بخش دیگری را به چالش گرفته‌اند یا تلاش کرده‌اند که دیدگاه خودشان را بر بخش‌های دیگر که راضی به پذیرش نبوده‌اند، تحمیل کنند. عمدتاً مذهب یا نوعی دستور اخلاقی پرهیزگاران به صورت دستوری استفاده شده‌اند تا این رفتارها را توجیه کنند و یا از اعمال خود دفاع کنند. در عمل، یک بخش فکر می‌کند که آنها درست می‌گویند و اینکه بقیه افراد در خطایند. ملل تکثر زیادی را تجربه کرده‌اند و به همین دلایل با ملل دیگر اختلاف داشته‌اند، یعنی تحت نام گمراه‌کننده منافع ملی. عمدتاً رهبران دول مختلف بر موضوع ملی‌گرایی در این چرخه‌ها بازی می‌کنند.

نیاز کهن الگو برای باززایی از طریق اتحاد متعالی به ندرت رخ داده است. در عوض، تخریب از طریق تکثر و تقابل قدرت‌ها در زمانی غالب بوده است که پلوتو در عقرب و نپتون در جدی بوده است. جالب است که پلوتو همیشه در مدار نپتون در این چرخه بوده است. چرخه دویست و چهل و هشت سال که بازگشت پلوتو به عقرب را اندازه می‌گیرد، با اوج چرخه تکاملی همبستگی دارد که در آخرین بازگشت‌اش آغاز شد و در آغاز چرخه تکاملی جدید در مسیر فعلی عقرب منعکس شد. چیزی که در حال رسیدن به اوج است، بر اساس اعمال قبلی، منفی یا مثبت، است که در سراسر این سیاره در چرخه دویست و چهل و هشت ساله رخ داده است. به عبارتی دیگر، نتایج همه اعمال قبلی به ذهن می‌رسند. این اوج بدان معناست که چرخه تکاملی جدید طوری آغاز می‌شود که بقاء سیاره و گونه انسان می‌تواند تداوم داشته باشد. پلوتو و عقرب هر نوع پویایی را که با آن ارتباط دارند، تشدید و تغلیظ می‌کنند. بنابراین، عبور پلوتو از طریق عقرب «زمان را تشدید می‌کند.» این تشدید لازم است زیرا آگاهی نسبت به موضوعات فردی و جمعی را اعمال می‌کند که باید با آن مواجه شوند، حذف شوند یا به منظور رشد فردی و جمعی، تکامل و تداوم بقاء دوباره تعریف شود.

تنش ایجاد شده در بین گذار چرخه‌های تکاملی جدید و قدیم می‌تواند خیلی شدید باشد. یک بخش از جمعیت تلاش خواهد کرد که نظم واقعیت ساختاری قدیمی را حفظ کند، بخش دیگر تلاش خواهد کرد که آنرا با توجه به تعریف موضوعاتی که باید با آن مقابله شود و به

شیوه جدیدی حل شود، به جلو پیش برد طوریکه رشد مثبت و لازم بتواند رخ دهد و بخش دیگر نسبت به نگرانی‌ها، موضوعات و ادعاهای این بخش‌های متکثر کم و بیش دوسوگرا خواهد بود. در عمل، یک سوم جمعیت در صفوف گذشته قرار دارد، یک سوم در صف الزامات آینده و یک سوم دوسوگرا است. این حالت فردی و جمعی تنها تکرار ارتقاء و تقویت می‌کند و اتحاد لازم برای گذار آرام با توجه به الزامات تکاملی زمان را ممکن نخواهد کرد.

امروزه موضوعات و مسائل زیاد هستند. این موضوعات شامل جنگ هسته‌ای، توهم ملی‌گرایی و منافع عملی درک شده، ساختار بانکداری و اقتصادی، وابستگی متقابل ملی و بین‌المللی، به کارگیری و توزیع منابع ملی در همه دولت‌ها، غذا و تولید غذا، مسائل تجاری، دولت‌ها چقدر و کجا پول‌شان را صرف می‌کنند، مسائل تجاری با توجه به صادرات و واردات، بخش‌های از جمعیت که با از دست دادن شغل به خاطر پیشرفت‌های فناوری جابجا شده‌اند (آخرین انقلاب صنعتی با نپتون و اورانوس در عقرب آغاز شد و زمانی شدت یافت که این دو سیاره وارد برج دلو^۵ شدند و پلوتو وارد برج حمل^۶ شد)، استفاده و به کارگیری مهندسی ژنتیک، و فراتر از همه چیز، چگونه هشیاری جهانی در شهروندان جهان ارتقاء داده شود. لحاظ کردن نکته آخر جالب است، زیرا در واقعیت بیشتر مردم، به خاطر وجود رسانه‌ها، این سطح آگاهی را به درجات مختلف دارند. فرد معمولی در همه سرزمین‌ها واقعاً صلح و بسط خیرخواهی برای همه انسان‌ها را آرزو می‌کنند. با وجود این، افرادی که در دولت‌های غالب این جهان در قدرت هستند، سیاست‌هایی ایجاد می‌کنند که فقط منتهی به جریان عکس می‌شود، در حالیکه به تظاهر درباره نگران‌های مردم سرزمین خودشان سخن می‌گویند. این دوگانگی ظاهری دقیقاً در جایی هست که درس‌های تاریخی باید آموخته شوند. این دوگانگی هست که منتهی به مسائل اصلی گذشته شده است، یعنی زمانیکه پلوتو در عقرب بوده و نپتون در جدی بوده است. اگر قرار است از گذشته بیاموزیم طوریکه اشتباهات گذشته را تکرار نکنیم، مردمان همه سرزمین‌ها باید طوری رفتار کنند که صدایشان و امیال‌شان شنیده شود. در زمان لازم و ممکن، مردم باید سیاست‌های دولتی را اعتلاء دهند که موجب ارتقاء تکرار از طریق عمل مستقیم می‌شود. مثال معاصر در جاییکه مردم سیاست‌های دولتی را را کنار گذاشته‌اند تا اتحاد متعالی را ارتقاء دهند، فاجعه فعلی اتیوپی است. قحطی که اکنون در حال وقوع است (در زمان نوشتن این مطلب)، زمانی آغاز شد که پلوتو از خانه هشتم اتیوپی در جهت عکس خانه دوم تولد ونوس

⁵ Aquarius

⁶ Aries

در ثور حرکت می‌کرد. بدیهی است که دولت‌های بزرگ این جهان با سرعت کافی واکنش نشان ندادند گرچه بسیاری از پیش از وقوع آن، از آن با خبر بودند. حتی اگر این اخبار در جهان درز می‌کرد، دولت‌هایی مانند آمریکا به این دلیل پاسخ ندادند که اتیوپی دولت مارکسیست بود. وقتی که ابعاد این بلا بر همگان آشکار شد، برخی دولت‌ها واکنش نشان دادند از جمله آمریکا، ولی نه به شکلی که برای حل مشکل کافی باشد. با وجود این، تلاش‌های داوطلبانه بسیاری از موسیقیدانان آمریکایی، بریتانیا و آمریکای جنوبی، همراه با دیگر تلاش‌های خیریه‌ای خصوصی، برای کاهش تألم و نیز ارتقاء هشیاری اجتماعی جهانی کمک کرده‌اند که خیلی فراتر از سیاست‌های دولت می‌رود. حتی عنوان آلبومی که این موسیقیدانان در آمریکا تولید کردند، بر این موضوع تکاملی اشاره دارد: «ما/ این جهانیم، ما کودکانیم، همه ما خانواده بزرگ خدا هستیم، همه ما باید به دیگران کمک کنیم، گزینه‌هایی که انتخاب می‌کنیم، زندگی ما را حفظ خواهد کرد، ما کسانی هستیم که روزهای بهتری می‌سازیم، فقط تو و من.» اجازه دهید امیدوار باشیم که این نمونه شهروند معمولی جهان تأثیر مثبت داشته و به پیشرفت نیازهای تکاملی زمان ما ادامه خواهد داد.

گزینش‌های فردی و جمعی که در پانزده سال آینده داریم، شاید مهمترین انتخاب‌ها باشد که انسان تاکنون با آن مواجه شده است، و سرنوشت تاریخ بشر را تعیین می‌کند. سلاح‌های تخریب که انسان اکنون در اختیار دارد، سرنوشت تاریخ بشر را تعیین می‌کند. اگر قرار باشد که احتمال برخی از سناریوهای تاریک‌تری را که می‌توانست رخ دهد، انکار کنیم، شهروندان متوسط این جهان، شما و من، مجبور خواهیم بود که از دولت‌های مان بخواهیم که به سمت روح یکپارچگی، صلح و همکاری با همه حرکت کند تا به سمت سیاست ملی و تقابل بین‌المللی و تکثر. ما سازنده این جهان هستیم، ما بخشی از خانواده بزرگ خدا هستیم. در پرتوی این روح است که انتخاب‌هایی که صورت می‌گیرد تنها می‌تواند به تکامل مثبت، سالم و مولد برای این سیاره منتج شود.

ذکر این نکته مهم است که نیازهای تکاملی زمان‌مان به نحوی رخ خواهد داد. آن‌ها یا از طریق رخدادهای تکاملی ناگهانی و کارمیک رخ خواهند داد، یا از طریق رخدادهای کند و پیشرونده رخ خواهند داد که گزینه‌های مناسبی را منعکس می‌کند که باید توسط همه ما انتخاب شود: در جایگاه فردی یا به صورت گروهی. با تقابل و درک این مسائل، انتخاب گزینه‌های مناسب از لزوم تغییرات ناگهانی جلوگیری می‌شود. به هر حال این روح بود که نواستراداموس دیدگاه خودش را در مورد آینده بیان کرد. او احساس کرد، همانطور که نویسنده این کتاب چنین

احساس می‌کند، رخدادهای ناگهانی که توسط عده زیادی برای آینده نزدیک پیش‌بینی می‌شوند، سرنوشت محسوب نمی‌شوند. نواستراداموس درست بعد از آخرین چرخه پلوتو و گذار نپتون از عقرب و جدی متولد شده بود. در واقع، نواستراداموس نپتون را در جدی داشت و پلوتو چند درجه در برج قوس^۷ در خانه نهم بود. اگر بخش بزرگی از انسان، و به ویژه کشورهایی که قدرت جهان را در اختیار داشتند، مسیر فعلی خود در ملی‌گرایی و تکثر را ادامه دهند، رخدادهای ناگهانی که توسط عده زیادی پیش‌بینی شده، احتمال وقوع‌شان زیاد است. تغییرات لازم رخ خواهد داد. وقتی به پایان این قرن نزدیک می‌شویم، نپتون و اورانوس به درون برج دلو، و پلوتو به درون برج قوس (نشانه آتش) حرکت خواهد کرد. بررسی ساده تاریخ داستان سازماندهی دوباره فرهنگی و اجتماعی را می‌گوید که در آن این الگو قبلاً رخ داده است (انقلاب صنعتی، از جمله این موارد است، از سال‌های ۱۸۲۰ و ۱۸۳۰). این الگوی سازماندهی دوباره در این چرخه نیز تسریع شده است و تسریع خواهد شد. انتخاب‌های صورت گرفته در زمانیکه پلوتو در عقرب و نپتون در جدی هست (که قرار است در پایان این دهه به اورانوس بپیوندد)، تعیین خواهد کرد که چگونه این سازماندهی دوباره فرهنگی و اجتماعی توسط همه ما تجربه می‌شود.

تاکید در این کتاب بر فرد است زیرا چیزی که به صورت جمعی آغاز می‌شود، با فرد شروع می‌شود. اگر هر فرد بداند که نیازهای تکاملی خودش چیست، و طوری عمل کند که این نیازها را تحقق بخشد، پس الزامات تکاملی جمعی به صورت غیرناگهانی رشد خواهد کرد. این کتاب در پرتوی همین روح نگاشته شده است.

پلوتو به مفهوم روح ارتباط داده خواهد شد و اینکه چرا پدیده تکامل فردی از روح منشاء می‌گیرد-یعنی محرک اولیه یا «کلام آخر». بحث خواهیم کرد که روح چیست و ساختار درونی و دینامیک‌های روح را که برای تکامل خودش به کار می‌آید، بحث می‌کنیم. همچنین موضوع اراده آزاد یا انتخاب را بحث خواهیم کرد؛ بحث خواهیم کرد که نه تنها چگونه این پدیده کار می‌کند، بلکه چگونه اساس دو نوع تکامل است. گذشته تکاملی هر فرد به طور واضح بر پدیده دلالت دارد: فراکوچ روح.

گذشته تکاملی هر فردی نیز عمیق‌ترین منابع امنیت هیجانی ناهشیار را تجلی می‌دهد. این الگوهای امنیت ناهشیار قدیمی مقاومت به تغییر ایجاد می‌کند و امر ناشناخته درجه متفاوت شدت در همه ما است. این پویایی امنیت/مقاومت و سواس عملی، فکری یا عقده‌های عاطفی

⁷ Sagittarius

در بسیاری از افراد (یا ملل) ایجاد می‌کند. این کتاب توضیح خواهد داد که چگونه این وسواس عملی و عقده‌ها ریشه در گذشته دارند و با گذشته ارتباط دارند. ایده یا پدیده کارما را بحث خواهیم کرد: کارما چیست، کارما چه چیزی نیست، و چگونه به فاکتور تکاملی هر یک از ما ارتباط دارد. مثال‌های متعددی از چارت‌ها نشان خواهد داد که فاکتور تکامل چگونه کار می‌کند و اصول این کتاب را نشان خواهد داد. این اثر به دو جلد تقسیم خواهد شد. جلد اول ایده‌های ضروری، روش‌ها و تکنیک‌ها و نیز پلوتو درخانه‌ها را نشان خواهد داد، پلوتو در ارتباط با دیگر فاکتورهای تکاملی و پلوتو در گذار، پیشرفت و بازگشت‌های خورشیدی. جلد دوم بر اساس نقش تکاملی و کارمیک پلوتو در روابطی خواهد بود که هم چارت‌های مرکب را شامل خواهد شد و هم جایگاه‌های چارت متقاطع (سیناستری)^۸، روابط پلوتو با آناتومی، فیزیولوژی و سیستم چاکرا (بحث کامل سیستم چاکرا چه هست و نحوی کار آن ارائه خواهد شد)، و نقش تکاملی پلوتو از طریق تاریخ مدرن با برخی برآیندهای احتمالی نسبت به آینده بر اساس آنچه در گذشته رخ داده است، بحث خواهد شد.

بعثت تمرکز این کتاب بر قصد تکاملی و لزوم رشد و تغییر، توصیف پلوتو از طریق خانه‌ها و نشانه‌ها الگوهای قدیمی، گرایش‌های قدیمی و تجلی رفتاری را شامل خواهد شد که باید دگرگونی یابد طوریکه رشد و تکامل بتواند رخ دهد. این تاکید بر محدودیت‌های از پیش موجود و نواقص دلالت دارد. برخی خوانندگان ممکن است احساس کنند که این توصیف‌ها «منفی» هستند. ولی، قصد بر آن نیست که توصیف‌ها منفی باشند. این به معنای محدودیت‌ها یا ساختارهایی است که مانع وقوع تغییرات لازم می‌شوند. این توصیف پلوتو از طریق خانه‌ها و نشانه‌ها به طور عینی توصیف می‌کند برای اینکه قصد تکاملی مداوم رخ دهد طوریکه کمال در نقطه‌ای از سفر تکاملی فرد تحقق یابد، باید با چه محدودیت‌های معمول و نواقصی مواجه شود. این کتاب قصد ندارد که «کتاب‌آشپزی» ستاره‌شناسی نجومی باشد. این کتاب باید به طور کامل خوانده شود طوریکه درک کلی و جامع درباره ماهیت و اساس اصول بیان شده در اینجا، ایجاد شود.

امیدوارم که این ایده‌ها به درک ستاره‌شناسی نجومی در مورد «چرا اینجا هستیم و درس‌های من چه هستند؟» کمک کند- هم در سطح فردی و هم در سطح جمعی. به علت ماهیت این پرسش‌ها و ماهیت پلوتو، خواندن این کتاب ممکن است گاهی سخت باشد. پیشنهاد می‌کنم

که برای این کتاب وقت بگذارید؛ آهسته پیش روید و به خودتان اجازه تفکر دهید و این ایده‌ها را احساس کنید. این ایده‌ها و اصول جدید نیستند. این ایده‌ها و اصول به اندازه خود تمدن، باستانی هستند ولی اکنون به شیوه جدیدی به ستاره‌شناسی نجومی ارتباط داده شده‌اند. از صمیم قلب امیدوارم که از این کتاب بهره‌مند شوید.

خدا به شما برکت دهد

جف گرین

سیاتل، واشینگتن

فصل اول: پلوتو: سفر تکاملی روح

پلوتو با روح و تکامل رابطه دارد. روح چیست؟ طبق بسیاری از منابع روحانی، مذهبی و متافیزیکی، از جمله *بهاگواد گیتا*^۹ و انجیل، روح، آگاهی تغییرناپذیر است که فردیت و هویت خود را دارد و از حیاتی به حیات دیگر، سالم باقی می‌ماند. البته در هر دوره زندگی، روح شخصیتی را تجلی می‌دهد که هشیار و ناهشیار فردی دارد. زحل^{۱۰} مرزهای هشیاری را تعریف می‌کند- که هشیاران نسبت به آن، آگاه هستیم. اورانوس^{۱۱} ناهشیار فردیت یافته را نشان می‌دهد، نپتون^{۱۲} ناهشیار جمعی و پلوتو خود روح را. هر شخصیتی که این روح از دوره زندگی به دوره زندگی دیگر تجلی می‌دهد، ایگویی^{۱۳} (ماه) دارد که برای ایجاد خودانگاره، به عنوان عامل تمرکز به کار می‌آید. ماه شبیه لنز در پروژکتور فیلم است- بدون لنز تصویری روی پرده نخواهد بود. هر شخصیت ماهیت ذاتی دارد، گرایشی که حیات را به شکل بی‌همتای خود تجربه می‌کند. هر شخصیتی که روح تجلی می‌دهد، به طور مستقیم به الزامات تکاملی روح ربط دارد. روح باید از طریق شخصیت حیات را به شیوه خاصی تجربه کند تا رشد کند و تکامل یابد. هر شخصیتی که خلق می‌شود، به طور مستقیم به تکامل گذشته و سابقه کارمای^{۱۴} روح ربط دارد. در درون روح دو میل همزیست وجود دارد. یک میل برای وجود جداگانه است- برای جداسازی از چیزی که روح را خلق کرده است. میل دیگر بازگشت به منشاء آفرینش است. ظاهراً، تعامل این دو میل متضاد، درام تکامل فردی و جمعی را آغاز می‌کند. میل،

⁹ BahagavadGita

¹⁰ Saturn

¹¹ Uranus

¹² Neptune

¹³ ego

¹⁴ karmic

نیروی تعیین کننده است که واقعیت هر فرد را دیکته می کند. روشن گری بودا در زیر درخت بودا^{۱۵}، وقتی او درباره ماهیت غم، درد و بدبختی می اندیشید، فقط بر اساس چنین درکی بود. پرداختن به نمادگری نجومی^{۱۶} در اینجا جالب است. پلوتو سیستم نجومی دوگانه است. در واقع ماه پلوتو، شارون^{۱۷}، در جایگاه خود سیاره است. شارون نصف اندازه پلوتو هست و در مقایسه با فاصله ماه به زمین، یک بیستم فاصله پلوتو است. به نظر می رسد که امیال دوگانه همزیست در نمادگری نجومی منعکس می شود. تعامل این میل ها تعیین می کند که فکر می کنیم به چه چیزی نیاز داریم. چیزی که فکر می کنیم به آن نیاز داریم، انتخاب های ما را تعیین می کند. گزینه هایی که انتخاب می کنیم، اقداماتی را تعیین می کند که آغاز می کنیم. اعمالی که آغاز می کنیم، واقعیتی را تعیین می کند که تجربه می کنیم. به بیانی ساده، این فرایند اساس چیزی است که کارما نامیده می شود. چیزی را برداشت می کنیم که می کاریم^{۱۸}. به خاطر همین امیال دوگانه است که حکایت تکامل فردی و جمعی، از طریق تعداد بیشمار از دوره های زندگی، اینقدر طولانی می شود. بدیهی است که تکامل روح اساساً بر پایه حذف تدریجی امیال جداکننده است. همچنانکه این امیال جداکننده حذف می شوند، در آگاهی ما، تمایل به بازگشت به منبع قوی تر و چیره تر می شود. نحوی کار این دو میل، پدیده ای مشاهده پذیر و به آسانی قابل بررسی است. آیا این درست نیست که هریک از ما در زندگی همه انواع امیال جداکننده را تجلی می دهیم، یعنی، دارایی جدید، معشوق جدید و غیره و ذالک؟ آیا این درست نیست که بعد از کسب چیزی که می خواهیم، لذت گذرا یا زیاد را تجربه می کنیم، یعنی رضایت جایگزین احساس آشنای قدیمی می شود که باید چیزی بیشتر از این وجود داشته باشد- ابژه میل^{۱۹}؟ احساس «چیزی بیشتر» تنها میل جداکننده دیگری را بر می انگیزد. وقتی در طی قرن ها تکامل می یابیم، حذف یا تهی کردن این امیال جداکننده را آغاز می کنیم. از آنجاییکه که چنین می کنیم، میل به دانستنی که ما را خلق کرده است، قوی تر و قوی تر می شود. روزی تنها میل باقیمانده

¹⁵ bodhi tree

¹⁶ Planetary symbolism

¹⁷ Charon

¹⁸ به نظرم ترجمه بهتر این است: «هر چه کنی کشت همان بدروی»

¹⁹ the object of the desire

در ما است. در نهایت، این فرایند تکاملی، روح‌های تحقق یافته‌ای^{۲۰} مانند عیسی، بودا، لئوتزا، یوگانا، موسی^{۲۱} و قدیس‌ها و استادان بزرگ پرورش می‌دهد. انسان در کنکاش بی‌پایانی گام برداشته است به این دلیل که امیدوار است «چیز دیگری» برای او خوشبختی، کمال و ابدیت می‌آورد. برای روح‌های فردی که خدا را جستجو کرده و خدا را یافته‌اند، جستجو به پایان رسیده است، او (منظور خدا، مترجم) همان چیز دیگر است.»
پاراماهانسا یوگاناندا^{۲۲}

جستجوی بی‌پایان انسان

باید واضح باشد که میل بازگشت به منشاء از دو میل کهن‌الگو قوی‌تر است. با وجود این، در واقع، دو میل همزیست وجود دارند که پدیده ظاهری اراده آزاد، یا انتخاب آزاد و پدیده تصمیم‌گیری را توضیح می‌دهند. این شرح در همه تعالیم مذهبی، از جمله انجیل، مثلاً داستان آدم و حوا، دیده می‌شود. بنابراین، بله، ما مسئول تکامل خودمان، کارمای خودمان و تجربه واقعیت‌ای هستیم که در میان همه ما مشترک است.
«چرا اینجا هستیم؟» و «چه درس‌هایی می‌آموزم؟» پرسش‌هایی هستند که همه ما در نقطه‌ای از چرخه تکاملی‌مان می‌پرسیم و با استفاده از چارت تولد، چگونه قرار است به چنین پرسش‌هایی پاسخ دهیم؟ از دیدگاهی که در همه افراد صدق کند، قرار است چگونه به این پرسش‌ها پاسخ دهیم؟

بسیاری می‌توانند به کارما، خالق یا درک خودشان در فحوای جهانی یا کلی، اهمیت کمتری بدهند، با وجود این، هنوز می‌خواهند بدانند که چه کاری باید بکنند. همانطور که کارل یونگ خاطر نشان کرده، نقش اصلی مشاوره این است که واقعیت ذهنی مراجع را به صورت عینی، تصدیق کنند. در جایگاه مشاور، یا فقط در جایگاه دوست، تلاش‌مان را خواهیم کرد تا واقعیت را به همان شکل موجود در افرادی که با

²⁰ Creation-realized

²¹ Jesus, Buddha, Lao-Tzu, Yogananda, Moses

²² Paramahansa Yogananda

آنها تعامل داریم، شناسایی کنیم و به آنها چیزی بدهیم که طبق واقعیت خودشان به آن نیاز دارند- نه واقعیت خودمان.

این نوع مشاوره دادن نیاز به مشاهده، گوش‌سپاری و عینیت‌گرایی دارد. زبانی که به کار می‌بریم بر اساس واقعیت آنهاست، زبان خودشان. بنابراین وقتی اقدام به پاسخ به این پرسش‌های می‌کنیم که « چرا اینجا هستیم؟ » و « چه درس‌هایی می‌آموزم؟ »، باید برای درک «واقعیت» ضمنی مطرح شده در چارت تولد، تلاش کنیم.

خانه پلوتو، نشانه، و نقطه قطبیت

خانه پلوتو و تعیین جایگاه نشانه دو پدیده همزمان را توضیح می‌دهند. از یک سو، موقعیت مولودی (زایشی) پلوتو ارتعاش نسلی را که فرد با آن به دنیا می‌آید، و نیز الگوهای فردی ویژه در تداعی هویتی که از گذشته تکاملی به طور ضمنی به دست آمده را توصیف می‌کند: امیال، باورها، افکار، ادراک‌ها، ارزش‌ها و گرایش به خود واقعیت. از سوی دیگر، موقعیت زایشی پلوتو به میل تکاملی، نیت، یا علت این حیات به شکلی که در نشانه و خانه پلوتو دیده می‌شود، اشاره دارد.

خواه فرد نسبت به این نیت هشیار باشد یا نه، مهم نیست زیرا در پس هر نوع حیاتی، فاکتور علی غایی یا نیروی تعیین‌کننده روح، است نه شخصیت. در فرایند لزوم تکاملی، این آموختن به نحوی رخ خواهد داد. اگر به هدف این زندگی هشیار هستیم، از طریق تشریک مساعی و عدم مقاومت، می‌توانیم روح را پرورش دهیم. وقتی که حیات الگوهای ذاتی تداعی هویتی را آشکار می‌کند، که در موقعیت زایشی پلوتو دیده می‌شود، حیات به سطح تازه‌ای از نمود تولد دوباره خواهد یافت که در نشانه و خانه مقابل پلوتو توصیف شده است. محدودیت‌های ضمنی درک شده از گذشته، به شیوه جدیدی تجربه خواهند شد طوری‌که نقطه تکاملی، این محدودیت‌ها را در سطح یا افق جدیدی از آگاهی و بیان تغییر خواهد داد.

وقتی‌که این اصول را به امیال همزیست ذاتی روح ارتباط می‌دهیم، خواهیم دید که بین گذشته، حال و آینده، تنش ضمنی وجود دارد. پتانسیل اختلاف درونی زیاد است. میل به جدایی می‌تواند منتهی به تلاشی شود که گذشته را حفظ کند، در حالیکه میل

به بازگشت به منشاء، تمرکز به آینده را تقویت می‌کند(نقطه قطبیت پلوتو). تنش یا اختلاف، اگر مقاومت ناهشیار وجود دارد، در هر لحظه از زندگی ما رخ می‌دهد.

● ۳۴ صفحه از کتاب جهت آگاهی با بکگراند کرم رنگ به رایگان در اختیار علاقمندان قرار داده شد. / ۱۰ ژوئن ۲۰۲۳